



غلامعلی سبحانی

وکیل دادگستری

شرایط لازم برای کارائی خدمات قضائی

LES CONDITIONS DE L'EFFICACITE DU SERVICE JUDICIAIRE

در کنفرانسی که در سال ۱۹۷۷ از پنجم تا نهم سپتامبر در شهر زاگرب یکی از شهرهای کشور یوگوسلاوی از طرف اتحادیه بین‌المللی وکلاء دادگستری Union International des Avocats برپا گردید یکی از مباحثی که از طرف اتحادیه مذکور مطرح مذاکره گردید (شرایط لازم برای کارائی خدمات قضائی) بود و چون از سوی کانون وکلاء دادگستری اعلام شده بود که در خصوص مبحث نامبرده و همچنین مباحث دیگر گزارشها و مقالاتی تهیه و برای اتحادیه مذکور ارسال گردد اینجانب مقاله زیرین را به زبان فرانسه تهیه و تقدیم کانون وکلاء دادگستری نمودم. کانون وکلاء دادگستری ضمن ارسال مقاله اشاره شده اینجانب را نیز بعنوان راپرتور-ناسیونال Rapporteur. National در مورد مبحث نامبرده به کنفرانس مذکور معرفی نمودند. ذیلا ترجمه مقاله نامبرده برای ملاحظه خوانندگان ارجمند درج میگردد: مسلم است که منظور از کارائی قضائی این نیست که سازمان قضائی یک کشور بتواند آمار چشم‌گیر و جالب توجهی در مورد کارهای خود ارائه دهد و حجم کارها در سازمانهای قضائی روز بروز بالاتر برود و بالنتیجه مانند کارخانه‌ای که مواد خام فراوانی را به کالاهای ساخته تبدیل میکند سیل دادخواستها و شکایات را باحکام و اجرائیه بدل نموده و برای اجرا بمراجع مربوطه بفرستد بلکه مقصود از شرایط لازم برای کارائی خدمات قضائی ایجاد وضع و کیفیتی است که حتی از کار اندک سازمانهای قضائی بهره فراوان و استفاده کلان برای جامعه بدست بیاید و سازمانهای مذکور با اینکه وجهه همیشان حل و فصل دعاوی موجود است فعالیتها و کوششهایشان این نتیجه ضمنی را دربر داشته باشد که جامعه را هم از فساد و آلودگیها پاک‌کند. ممکن است این تمنی تا حدی اغراق‌آمیز بنظر برسد ولی پر واضح است که اگر جانی و خاطلی یقین داشت که دیر یا زود بچنگال عدالت گرفتار خواهد

گردید و با تشبث و توسل باین و آن توفیق فرار از مجازات یا بدست کردن ارفاق بیجا نصیبش نخواهد شد جرات اقدام به جنایت و خطا را درخود نمی‌یافت و اگر مظلوم و رنج‌دیده مطمئن بود که دستگاه قضائی کشور ناله‌اش را شنیده و پاسخ نیز خواهد داد در مراحل اول و شروع اجحاف و تعدی و زورگویی از طرف متجاوز بسازمان قضائی توسل می‌جست و جرم و جنایتی بوقوع نمی‌پیوست، در مورد مسائل حقوقی نیز کار بر همین منوال است منتهمی بجهت خودداری از تطویل کلام از توضیح این قسمت صرف نظر کرده بهمین مختصر اکتفا می‌ورزیم.

برای توضیح مطالب یادشده و بیان شرایط لازم برای کارائی خدمات قضائی ناگزیر به ذکر مقدمه‌ای بررسی قضا و قضاوت خارج از قضائی که بآن احاطه دارد و محیط اجتماعی نامیده میشود کاری عبث و بیمورد است و حتی اصلاح سازمان قضائی بنحو صحیح و کامل خود در جامعه‌ای که ارکان سالم دیگری ندارد جز وقت تلف کردن ثمره و نتیجه دیگری را دارا نمیباشد این است که قسمت مهم و اساسی و حتی ریشه‌های واقعی بهبود کارائی خدمات قضائی را بایستی در مکان یا مکانهای دیگری جستجو کرد که هرچند ظاهراً مستقل و جدا از آن هستند ولی در باطن و نفس الامر حاکم برآند و جز بامساعد کردن شرایط مذکور امکان موفقیت برای بدست آوردن حداکثر نتیجه از کار سازمانهای قضائی میسر نیست، مسلم است که ذکر تمامی شرایط بررسی بسیار طولانی و عمیقی را ایجاب میکند که ورود در آن مباحث ما را ناگزیر از گفتار در بسیاری از مسائل از قبیل: طرز تربیت خانوادگی؛ وظائف سازمانهای آموزش و پرورش؛ و وسائل ارتباط جمعی اهم از رادیو و تلویزیون و روزنامه و کتاب و انجمنها و احزاب و دیگر موارد میکند که ناگفته پیداست تا چه اندازه این رشته سر دراز دارد ولی چون قصد ما در این زمینه بیان مطلب بصورت اختصار است با صرف نظر کردن از مباحث نامبرده فعلاً بشرائطی که از لحاظ اهمیت در صدر مطالب دیگر و از جهت ارتباط بمطلب مانحن فیه نیز خیلی نزدیکتر است میپردازیم.

۱- وجود قوانین صحیح

بحث در خصوص اینکه قانون صحیح کدام و قانون غلط چگونه قانونی است مبحث مفصل و طولانی است ولی بین طرفین مباحثه در يك امر توافق کامل وجود دارد و آن اینکه هر قانونی بصرف اینکه قدرت اجرائی داشته باشد نمی‌تواند واجد صفت يك قانون صحیح و خوب نیز باشد. گفت و شنود در مورد اینکه قانون خوب چگونه قانونی است باین مرحله منتهمی خواهد شد که (قانون خوب قانونی است که حافظ منافع اکثریت افراد اجتماع باشد) و یقیناً هرچه افراد این اکثریت بمقیاس صد در صد نزدیک گردد آن قانون صحیحتر و اصولی‌تر است و مسلم است که از این تعریف این نتیجه منطقی حاصل میشود که قانونی که فی‌المثل بدون در نظر گرفتن کلیه جهات و جوانب و منظور داشتن منافع کلی جامعه بصورت يك جانبه منافع

گروهی از گروه‌های اجتماعی را تأمین نماید تا چه اندازه برای جامعه خطرناک است و چه عواقب ناشایست و ناهنجاری را میتواند بدنبال داشته باشد.

برای وصول به چنین ایده‌آلی قانون خواه و ناخواه بایستی منبعث از خواسته‌های مردم باشد یعنی کلیت نمایندگان خود را تعیین نموده و توسط آنان قوانین لازم را بتصویب و سپس اجرا برساند. عامل بسیار مهم دیگری را که در این مورد بایستی منظور نظر قرار داد این است که نماینده ملت حتی المقدور بایستی نماینده دسته یا صنف بخصوصی از اجتماع باشد چون ناگفته پیداست که این طرز انتخاب فکر نماینده را بجای توجه بمصالح عمومی کشور متوجه منافع موکلین خود میدارد و سلسله تعارضاتی را موجب میگردد که هم مانع از فعالیت کامل سازمان قانونگذاری و هم سبب پیداشدن تشنجاتی است که بِنفع ملت نمیباشد و با قدری احتیاط میتوان گفت طرز انتخاب و کلام بصورت یادشده این خطر را هم دارد که جامعه را بسوی نوعی از جامعه طبقاتی سوق بدهد و بالاخره بهترین طریق انتخاب این است که نماینده بتمام معنی نماینده ملت و مجلس، مجلس ملی باشد همانطور که در بیشتر قوانین اساسی کشورهای جهان این نکته وجود دارد که نماینده ملت نماینده تمام مردم است.

مسئله دیگری که هیچگاه نباید از نظر دور بماند این است که هر کشور بایستی دارای سیستم حقوقی مشخص و معین باشد البته این گفتار بآن معنی نیست که هر ملت قطعاً بایستی یکی از سیستمهای حقوقی موجود در جهان را بپذیرد بلکه الزاماً قانون اساسی هر کشور باید اصول متقن و مسلمی را واجد باشد که هر ملت حدود قدرت و وضع کلی قانونی خود را در جهان هستی بداند و قدرت سازمانهای تقنینیه که بوضع قوانین عادی میپردازند محدود در چهارچوبه قانون اساسی باشد و همانطور که اصل کلی بیانگر این مطلب است «قوانین عادی بایستی هیچگاه مغایر و معارض با قانون اساسی باشد».

چون خواه و ناخواه نمایندگان ملت از حوائج و نیازهای طبیعی مردم اطلاع دارند و قوانین موضوعه مالا موافق خواسته‌های مردم بوده و دیگر مردم برای گریز از آنها متوسل بوسائلی نمیگردند که تولید کشمکشها و جدالها و نزاعها و زد و خوردهایی بنماید که بار وظائف محاکم هرروز سنگین و سنگین تر شده و کارها بکندی و احیاناً بجهت فراوانی و کثرت در جهتی خلاف مسیر عدالت و دادگری سیر نماید.

۲- انتخاب قاضی

در انتخاب قاضی و دادرس بایستی نهایت دقت و باریک بینی بعمل آید و گذشته از مدارج تحصیلی و مراتب فضل و اطلاع که اساس قضاوت صحیح را تشکیل میدهد قضات بایستی حتماً و قطعاً به سجایای اخلاقی و معنوی آراسته باشند که تحت تأثیر هیچگونه عاملی جز اجرای صحیح عدالت واقع نگردند و از جهت مادی

مورد اگر ترتیبی اتخاذ شود که هیچگاه قاضی احساس نیاز نکند بسیار بجا است و ترتیبی که در این مورد پیشنهاد میشود داشتن کارت سفید جهت استفاده از حقوق است که این مقاله گنجایش ذکر خصوصیات آنرا ندارد.

۳- انتخاب کارمندان و ضابطین دادگستری

انتخاب کارمندان و ضابطین دادگستری واجد اهمیت فراوانی است که اگر آنرا در ردیف انتخاب قضات ندانیم کمتر از آن نیز نمیتوان دانست چون مسلم است که برگزین اولیه پرونده توسط این اشخاص تنظیم و ترتیب مییابد و اگر پرونده‌ای از بنیاد نادرست باشد مانند عمارتی است که بخواهند بر پایه‌های مست و لرزان بناکنند که بدون تردید نتیجه مطلوب از آن بدست نخواهد آمد و برچنان پایه مستی عمارتی نمیتوان ساخت که قابل زندگانی باشد. مسلم است که در این زمینه نیز از توجه بوضع مادی اشخاص نامبرده ناپیستی قائل بود که یکی از موجبات بسیار مهم انحرافات، گرفتاری مادی است و چه در مورد قضات و چه در مورد این طبقه از کارمندان دستگاه قضائی از توجه به سانکسیونهای شدید در مورد تخلف از قانون نباید غفلت ورزید.

۴- انتخاب و کلام شایسته

انتخاب و کلام خوب و تصفیه‌کادر و کالت دادگستری از عناصر ناباب و نامتناسب از وسائلی است که جامعه را در راه بهره‌یابی کامل از سازمان قضائی مسدودکاری مینماید، چون ناکفته پیداست که اولین تمسک دادخواهان با و کلام دادگستری میباشد و بسیاری از اوقات پایه‌های پرونده تنها وسیله ایشان گذارده میشود؛ بنابراین گروه نامبرده بایستی اضافه بر قابلیت و مهارت در کار به صفات بلند نظری و اخلاق حسنه و توجه بمصالح افراد و اجتماع نیز آراسته باشند تا نتیجه مطلوب از اقدامات و اعمال آنان نصیب گردد و راه برای صدور آراء صحیح از جمیع جهات مستوی و هموار شود.

۵- استقلال قوه قضائیه

قوه قضائیه باید بتمام معنی و کامل کلمه از نفوذ قوای مقننه و مجریه برکنار باشد تا در کمال آزادی بتواند متویات خود را بمنصه ظهور برساند. بدون توجه به پنج اصل اساسی فوق و نادیده گرفتن يك یا چند اصل از اصول مذکور بهره‌برداری صحیح از کارکرد سازمانهای قضائی میسر نیست و رعایت مراتب نامبرده میتواند در کارائی خدشات قضائی بنحو بسیار مطلوبی مؤثر و مفید باشد.

